

## فرآیندهای آفرینش فرهنگنامه‌ای در خشان

■ مسعود رضوی

نویسنده و پژوهشگر

معین، فرهنگ عمید، امثال و حکم دهخدا، دائرةالمعارف مصاحب و... تعدادی از آثار نوین در این عرصه محسوب می‌شوند و نزد اهل فرهنگ معروف و مشهورند.

پس از انقلاب مردمی - اسلامی در سال ۱۳۵۷ رشد روزافزون سواد و گرایش به تحصیلات آکادمیک را شاهد بودیم. همین مسئله به تنهایی چنان موجب افزایش تقاضا برای کتب مرجع شد که با دوره‌های قبل اصلاً قابل قیاس نیست. فرهنگ‌های عمومی، تخصصی، سطح‌بندی شده، توصیفی، مصور و غیرمصور، یک‌زبانه، دوزبانه و چندزبانه در قطع‌ها و مجلدات متفاوت، دائرةالمعارف‌ها، دانشنامه‌ها، ترجمه‌ دائرةالمعارف‌های عربی و غربی، تجدید چاپ لغت‌نامه‌های کهن، آثار مرجع قدما، فرهنگ‌های مذهبی، تشکیل مؤسسه‌ها و نهادهایی به نام دانشنامه و دائرةالمعارف و... جملگی محصول سی سال اخیر است. در بخش خصوصی نیز اتفاق بسیار مهمی رخ داد و چندین ناشر و مؤسسه فرهنگی تصمیم به تدوین و سرمایه‌گذاری در این عرصه گرفتند. مهم‌ترین و متداوم‌ترین آنها بی‌گمان مؤسسه فرهنگ معاصر به مدیریت داوود موسایی است که اثری ژرف بر تئوری و شکل و محتوا و برنامه و سامانه فرهنگ‌ها و دانشنامه‌های ایران نهاد و ما در این باره سخن خواهیم گفت.

به رغم این اهمیت و تقاضای روز افزون هنوز مرکز یا مراکزی برای تربیت و تعلیم فرهنگ‌نگاری در ایران پدید نیامده است. دانشگاه‌های ما فاقد رشته‌ای معادل lexicography یا فرهنگ‌نگاری هستند. اگر چنین رشته‌ای داشتیم، محصلان این رشته می‌توانستند با اصول زیربنایی فرهنگ‌نویسی آشنا شوند و آموخته‌های خود را به صورت علمی به کار گیرند. این مسئله امکان خطاها را کاهش می‌داد و کار را از صورت تجربی و ذوقی به کیفیت علمی ارتقاء می‌داد. اکنون سال‌هاست که در کشورهای دیگر فرهنگ‌نگاران در دانشگاه‌ها تربیت می‌شوند و اگر چه بسیاری از فرهنگ‌های خوب محصول دانشوران علاقه‌مند در هر رشته است، همان زمینه دانشگاهی، مبدأ و پشتوانه مناسبی برای تداوم هر تلاشی در این زمینه است؛ به همین دلیل توجه به این مسئله از سوی فرهنگستان و وزارت علوم باید امری ضروری و



■ صدری افشار، غلامحسین. فرهنگنامه فارسی: واژگان و اعلام. با همکاری نسیرین و نسترن حکمی. تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۸۸. ۳ جلد. ۴۸۰۰۰۰ ریال. شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۸۶۳۱-۹۰-۸

پدیدآوردن دانشنامه‌ها و فرهنگ‌ها - و نیز دائرةالمعارف‌ها - کاری دشوار و صعب است و توضیح مکرر خواهد بود اگر در این زمینه بخواهیم بیان مجددی داشته باشیم. این نوع آثار در زمره منابع مرجع محسوب شده و باید به صورت تخصصی یا عمومی مرتباً تدوین، روزآمد و منتشر شوند. در کشور ما با آنکه سابقه طولانی در عرصه فرهنگ‌نویسی - اعم از تخصصی، موضوعی، واژه‌نگاری و دائرةالمعارف‌ها - وجود داشته هنوز سامان و شیوه مضبوطی که مبنای اتکاء علاقه‌مندان و کارورزان در این زمینه باشد سراغ نداریم.

در دوران جدید یعنی از هنگامه تجددگرایی در عصر مابعد مشروطیت گرایش‌ات نوینی در همه زمینه‌ها تجربه شد و فرهنگ‌نویسی نیز با نگاه به تجارب و حاصل کار غربیان زمینه‌ها و انگیزه‌های تازه‌ای یافت. فرهنگ‌های ناظم الاطباء، لغتنامه علامه دهخدا - فرهنگنامه کبیر زبان و ادب و تاریخ ایران - فرهنگ

بسیار مهم تلقی شود.

مسئله مهم دیگری که در سنوات حاضر و سال‌های آینده باید مورد توجه باشد تغییرات عمده در کیفیت و کمیت، لفظ و معنا، گویش‌ها و دلالت‌ها و سرانجام منظوره‌های زبانی در تمام سطوح زبان فارسی است. زبان ما که سیر تغییرات کندی را از سر گذرانده و هیچ‌گاه حلقه‌های واسط میان نسل‌ها در آن مفقود نبوده، به ناگاه درگیر تغییرات تندی شده که از نسل‌های قبل فاصله می‌گیرد و این مسئله مجال ظهور میانجی‌های ادبی و زبانی - اعم از مکتوب و شفاهی - را کاهش داده است. در این زمان زبان فارسی در دور تغییرات حاد و جدی قرار گرفته و کم‌کم به مرحله دیگری وارد می‌شود. تغییرات وسیع گروه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی متفاوت همراه با آمیزش و ظهور موازی سطوح مختلف ادبی و عالمانه و عامیانه و... به کلی آن را دستخوش انقلابی در گویش و نوشتار و در واژگان و مصطلحات و حتی قواعد و دستور کرده است.

این مسئله از اوایل دهه پنجاه آغاز شد. رادیو و تلویزیون و برخی جراید در میان مردم گسترش چشمگیر یافت و تغییراتی همسان‌ساز برجای نهاد. اثر آن در میانه دهه پنجاه در گویش تهرانی‌ها و بسیاری شهرهای بزرگ و نیز در کتب درسی و مقالات جراید دیده می‌شد. با وقوع انقلاب ۱۳۵۷ گویی انفجاری سیاسی و فرهنگی رخ داد و سیل کلمات و اصطلاحات سیاسی و مذهبی و فرهنگی تازه‌ای وارد زبان فارسی شد. سپس التهابات سیاسی کاهش یافت و مسائل دشوار و سهمگینی همچون جنگ تحمیلی هشت ساله و کیفیات دیگری از الزامات اجتماعی و سیاسی بر فرهنگ اثر نهاد. در نتیجه بار فرهنگ‌سازی رسمی با اولویت‌های سیاسی - ایدئولوژیک شدت گرفت و این مسئله همچون تکلیفی در شرایط بحرانی از سوی صدا و سیما دنبال می‌شد.

موج مهاجرت موجب تماس با فرهنگ در میان طبقاتی از مردم شده و آن هم اثرات خاصی داشت. جنبش ترجمه آغاز شد و مطبوعات گسترش عظیم یافت. گسترش کلان شهرها، مهاجرت‌ها، جنگ و راندگی و سرانجام پیدایش زمینه‌های ارتباطی تازه از طریق ماهواره و اینترنت به این جریانات شدت بی‌سابقه‌ای داد. گروه‌های مختلف جامعه نظیر بازگشتگان از فرنگ، دانشگاهیان دهه‌های اخیر، روحانیون، سیاستگران و حتی جوانان و افراد پایین‌دست جامعه هر کدام انبوهی از واژگان خاص و الگوهای زبانی مطلوب خود را رواج دادند و اینها به تدریج در هم آمیخت. اکنون واژه‌های سیاسی، عربی و فقهی، فرنگی و غربی، تعارفات رسمی و ترویجی که در تلویزیون باب شده، اصطلاحات عامه و عوامانه، تکیه کلام‌های برخی پیشه‌وران و حرفه‌ها نظیر مکانیک‌ها و ... وارد زبان معمول و متعارف فارسی شده و به نظر می‌رسد در طول یک دهه آینده - بیش و کم - فاصله‌ای میان این زبان و آنچه ما و قدما بدان سخن گفته و می‌نوشتیم پدید آید. میانجی‌ها همواره جلوی انقطاع رابطه و ادراک را گرفته و به همین دلیل برای ما فهم سروده‌های حکیم فردوسی و نوشته‌های

استاد بیهقی کاری صعب نیست و معیارهای زبانی حاکم بر آن - به‌جز اصطلاحات آرکائیو - همان بود که محمدعلی فروغی و علامه قزوینی و پرویز ناتل خانلری و حمید عنایت و محمود دولت‌آبادی و آیت‌الله طالقانی و استاد حسن‌زاده آملی و غلامحسین صدری افشار و اغلب مردم باسواد ایران به کار می‌بردند. اما این موج تازه - بی‌گمان - همان نیست و این را از یک نگاه به فرهنگ اصطلاحات مخفی و یا پیامک‌های تلفن همراه و یا وبلاگ‌های رایانه‌ای می‌توان فهمید. حتی منابر مذهبی مورد علاقه جوانان و دقت در اشعار و شعرهای مناقبی که خواننده یا اینجا و آنجا نوشته می‌شود این تحول را در آن حوزه نیز نشان می‌دهد. باری با توجه به این مقدمات اهمیت فرهنگ ارزشمند و باکیفیتی همچون فرهنگنامه فارسی اثر غلامحسین صدری افشار، نسرین حکمی و نسترن حکمی بیش از پیش روشن می‌شود. این فرهنگ در دوران گذار تدوین شده و شاید بتوان آن را میانجی نامید یا یکی از واسطه‌های مهم برای جلوگیری از گسست زبانی و فرهنگی؛ چیزی که انقطاع هم نامیده می‌شود و نسل‌های گذشته و آینده را نه در راستای هم، نه در کنار هم و نه حتی در مقابل هم بلکه بیگانه با یکدیگر خواهد کرد.

برای پدید آمدن فرهنگنامه‌ای همچون کتاب مورد بحث ما زمینه‌های متعددی باید فراهم باشد تا اعتبار و موفقیت کافی کسب شود. تا امروز تعداد پرشمار نقدها، خطابه‌ها، گفتگوها و مقاله‌های مختلف در مطبوعات و سایت‌ها و جلسه‌های بحث و بررسی به تنهایی برای اثبات ارزش و اعتبار و موفقیت فرهنگنامه فارسی کافی است. لذا ما از تکرار مباحثی که مؤلفان در گفتگوها و صاحب‌نظران در سخنرانی‌ها و مقالات مطرح کرده‌اند در می‌گذریم و به موضوعی کلی‌تر که ضمن آن برخی خصائص «فرهنگنامه فارسی» نیز مطرح می‌شود خواهیم پرداخت. به گمان ما مجموعه متنوع و متفاوتی از عوامل کمی و کیفی، تشکیلاتی و مدیریتی و تجربه‌ها و خصائص خاص انسانی در به‌وجود آمدن یک فرهنگ و اعتلاء و اعتبار آن نقش دارند و ما این مسائل را بسیار مهم می‌دانیم:

#### ۱- فهم عرف و ذائقه زبانی

هر زبانی عرف و خصوصیات صرفی و نحوی خاصی دارد و صاحبان هر زبانی نیز در چارچوب ذائقه و فرهنگ و تجارب ویژه‌ای به آثار مختلف روی خوش یا ناخوش نشان می‌دهند. در حقیقت قاعده مشخص و دقیقی در این زمینه نمی‌توان بیان کرد؛ اما خبرگان فرهنگی به فراست و ممارست این موضوع را درک می‌کنند و هیچ‌گاه دست به کارهای رادیکال و آوانگارد نمی‌زنند. آنان بر اساس تجارب قبلی و جاری از امکانات و تجربه‌های بومی و جهانی بهره‌مند می‌شوند و مطابق امکانات موجود به عرضه کار خود می‌پردازند. بخشی از آن قدرت پذیرش خاصی از معنوی در جامعه مؤلفان و بخشی از آن قدرت تولیدکننده در تناسب نسبی و مناسب با



مصرف‌کننده به تنظیم فعالیت خود می‌پردازد؛ برای مثال حجم کار - حجم تعریف‌شده و در نظر گرفته‌شده - در فرهنگنامه فارسی تناسب خوبی با نیروی انجام‌دهنده کار و نیاز و خواست عمومی دارد و فی‌المثل اگر حجم فرهنگ معین یا دهخدا را در نظر بگیریم هر یک در سطح و محدوده‌ای خاص قابل بهره‌برداری است. فرهنگنامه فارسی عمومیت بیشتری دارد و به گمان من با توجه به کیفیت محتوایی و صوری و حجم مناسب در حال حاضر بهترین نمونه در نوع خود محسوب می‌شود.

### ۲- مدیریت مناسب

چنین کاری نیازمند مدیر مناسبی است و این مدیر می‌باید برخی ویژگی‌ها را حتماً داشته و خصوصیات متعدد دیگری را نیز ضمیمه آن کند. چنین مدیری - به گفته یکی از فضلا - باید «تجربه کافی»، «دانش وافی» و «حوصله اضافی» داشته باشد. غلامحسین صدری افشار همه این خصوصیات را دارد و در عین حال واجد مکارم اخلاقی و حرفه‌ای و اجتماعی و علمی خاصی است که نگارنده از ذکر آن ناگزیر است. او در حوزه مطبوعات چهره‌ای شناخته شده و قدیمی است. فرهنگ‌نگاری را با دقت برگزیده و در زیر مجموعه‌های متعلق به این کار ورزیده شده است. به جز روزنامه‌نگاری که او را با زبان روزانه در رابطه نزدیک قرار می‌دهد تألیف، ترجمه، ویراستاری و کار کتاب (نشر و ناشری کردن) نیز در کارنامه صدری افشار دیده می‌شود. وی حوزه‌های عمومی دانش را آرموده و در نشریاتی با خصلت علمی کار و مدیریت کرده است. تألیف چند کتاب و ترجمه‌های متعدد و بسیار مفید وی می‌تواند وسعت اطلاعات وی و خصلت دایره‌المعارفی آن را بیشتر نشان دهد:

۱- تألیفات: تاریخ در ایران، سرگذشت سازمان‌ها و نهادهای علمی و آموزشی در ایران، کتابنامه علوم ایران؛  
 ۲- ترجمه‌ها: مقدمه بر تاریخ علم (در پنج جلد)، تاریخ ریاضیات (دو جلد)، تاریخ ادبیات ایران (از سنایی تا سعدی)، معماری ایران، کاکل طاووس، مطالعه تاریخ ریاضیات و تاریخ علم، گفتارها در تاریخ علم؛  
 ۳- ویراستاری: مآثر سلطانی، دو سند از انقلاب مشروطه، دانش برای همه (در ۱۳ جلد)؛

۴- مطبوعات: همکاری با فصلنامه بازتاب دانش و ماهنامه سخن علمی، مدیر و سردبیر فصلنامه آشنایی با دانش و هدهد. در عرصه فرهنگ‌نویسی کار صدری افشار چشمگیرتر است و آنچه در بالا ذکر شد متمم و تکمیل کار او در این عرصه و مایه کیفیت بخشی و استعلائی آن محسوب می‌شود. وی سال‌های متعددی در عرصه تاریخ علم پژوهش کرده و از سال ۱۳۴۵ به فرهنگ‌نویسی روی آورده و این کار را با فیش‌نویسی لغات مخزن‌الادویه - از قدیمی‌ترین آثار طبی در زبان فارسی - آغاز کرده است. از جمله فرهنگ‌های دیگری که او تألیف کرده: فرهنگ زبانزدها، مترجم، واژه‌نامه فنی و از همه جامع‌تر و مهم‌تر

همین فرهنگنامه فارسی است که در اندازه‌ها و شکل‌های مختلف عرضه شده و خواهد شد. این نکات و مسائل عقبه و پرونده مدیری شایسته برای انجام کاری بایسته است و علیت در جهان معقول به ما انسان‌ها می‌آموزد که تا علل و شروط لازم و کافی برای تحقق یک معلول فراهم نباشد پدیده بیچیده و ارزشمندی همچون فرهنگنامه فارسی وارد عالم امکان نخواهد شد.

### ۳- تیم مناسب

فرهنگنامه‌نویسی به هیچ‌وجه به صورت یک کار فردی موفق و متداوم نخواهد بود. در کنار فرهنگ‌های معتبر معاصر نظیر دهخدا، معین و مصاحب ما افراد صاحب‌نظر، علاقمند، منظم و کوشایی را می‌بینیم که طی زمانی طولانی کوشیده‌اند یک پروژه به سامان رسد و ضعف‌های احتمالی آن کاهش یابد.

مدیر فرهنگنامه فارسی با انتخاب همکاران مناسب و ایجاد هماهنگی و نظم مطلوب، امکان حرکتی فرهنگی در طول چند دهه را میسر ساخته و این همکاران در این فرآیند همگون و کارآمد بار آمده‌اند. تقسیم کار مناسب و پذیرش جایگاه ویژه برای هر یک از همکاران به نحوی که تداخلی در امور پیش نیاید و اصطکاک‌ها به صفر نزدیک شود، فقط از سوی کسانی درک می‌شود که مدت زمانی طولانی به کارهای جمعی پرداخته باشند. این کار در بخش خصوصی و با حداقل امکانات صورت گرفته و از این جهت نیز ارزش بیشتری دارد زیرا راندمان و حاصل کار را افزایش داده و از حاشیه‌های بیپه‌وده که آفت فعالیت‌های علمی است به شدت کاسته است.

### در کنار فرهنگ‌های

#### معتبر معاصر نظیر

#### دهخدا، معین و

#### مصاحب ما افراد

#### صاحب‌نظر، علاقمند،

#### منظم و کوشایی را

#### می‌بینیم که طی زمانی

#### طولانی کوشیده‌اند یک

#### پروژه به سامان رسد و

#### ضعف‌های احتمالی آن

#### کاهش یابد

احترام به جمع و در عین حال محترم شمردن فرد و تبدیل این دو به هارمونی، چنان که نظریه پذیرفته شده و نهایی حاصل کار همه و رأی اکثریت باشد به نوعی تربیت دموکراتیک نیازمند است و به نظرم صدی افشار و نسرين و نسترن حکمی نمونه خوبی از این نوع همکاری جمعی هستند. نسرين حکمی و نسترن حکمی هر دو زبان انگلیسی خوانده، تدریس و تألیف و مترجمی و ویراستاری کرده و از همه مهم‌تر در کنار مدیر و آموزگار جدی و جامعی همچون غلامحسین صدی افشار درس نظم و دانش و فرهنگ‌نگاری آموخته و به تدریج به صاحب‌نظرانی خبره در این عرصه بدل شده‌اند. راقم این سطور از دهه شصت در جریان این فرآیند و این فعالیت پویا و سازنده بوده و آن را نمونه‌ای ستایش‌انگیز قلمداد می‌کند.

#### سازماندهی در کار

#### فرهنگنامه‌ها بدون

#### نیروی اضافی، با تعلیم

#### مداوم نیروهای موجود

#### و در عین حال مبتنی بر

#### عرف و اخلاق انسانی

#### میسر است

#### ۴- سازماندهی

چارت‌ها و نمودارهای سازمانی در مؤسسات دولتی برای ما آشناست. معمولاً اینها پس از تصویب، ابلاغ و بر اساس برآوردهای لجستیک، مالی و اداری شروع به جذب نیرو کرده و برآیند و نتیجه کار نیز مثل اغلب نهادهای بوروکراتیک بستگی به وضع خاص یک دوره زمانی یا نظرات مدیران ارشدتر در همان دوره دارد. گزارش‌ها نه بر اساس واقعیات و نتایج مطلوب بلکه برای حفظ سمت و جذب بودجه بیشتر تدوین می‌شود. با این حال نباید منکر خدمات برخی مؤسسات دولتی و نیمه‌دولتی فرهنگی نظیر مرکز نشر دانشگاهی، انتشارات علمی و فرهنگی (فرانکلین سابق)، انجمن حکمت و فلسفه، مؤسسه علوم اجتماعی، مؤسسه تاریخ معاصر و ... شد.

در بخش خصوصی چنین مسأله‌ای مطرح نیست و چون سرمایه‌گذاری باید با برگشت سرمایه و سود همراه باشد، از حداقل امکانات و نیروها حداکثر بهره‌وری صورت می‌گیرد. این همان وجه مثبت و به اصطلاح معجزه بازار است: قناعت، تخصص، پرکاری، تولید و نهایتاً بهره‌وری و استفاده از سود. در بخش خصوصی ایران برخی ناشران به کوتاه‌مدت می‌اندیشند و اغلب در پی چاپ کتب آماده‌اند. برخی با سازمان دادن یک گروه ویراستار و بررس، در پی جذب کارهای مفید و پرسود و کاهش خطر ریسک درباره کتب نامناسب هستند. اما گروهی دیگر در پی کار درازمدت و تکامل فرآیندهای شکلی و محتوایی آثار بوده و از این طریق سطح کار و سرمایه‌گذاری و کیفیت نیروها و کتب خود را ارتقاء می‌دهند.

سازماندهی در کار فرهنگنامه‌ها بدون نیروی اضافی، با تعلیم مداوم نیروهای موجود و در عین حال مبتنی بر عرف و اخلاق انسانی میسر است. علاوه بر این می‌باید انگیزه‌های کافی به افراد و نیروها داده شود و جایگاه هر یک به خوبی تعریف و حاصل کار نیز تقسیم شود. زمان انجام کار بخشی از سازماندهی است و حجم قابل کنترل فضا، روابط و نیروها خود به خود موجب افزایش راندمان در زمان مناسب خواهد بود.

به نظرم می‌توان در مورد فرهنگنامه فارسی مدعی شد که

#### ۵- ناشر و پشتیبان لجستیک

همه اموری که گفته شد در بخش خصوصی امکان‌پذیر است و این را کشورهای پیشرفته ثابت کرده‌اند. در کشور ما نیز امر کتاب، خاصه تألیف کتاب‌های پیچیده‌ای مثل فرهنگ‌ها پیوند مستقیم دارد با ناشران آینده‌نگر و آفرینشگر یا به اصطلاح کتاب‌آفرین. در حال حاضر مؤسسه فرهنگ معاصر جایگاه خود را به عنوان مرجع معتبر فرهنگ‌نگاری - چه به لحاظ شکل و چه از نظر اعتبار محتوا - تثبیت کرده است. هیچ دانشور و پژوهشگر ایرانی در داخل و خارج از کشور بدون نیاز به یک یا چند فرهنگ از تولیدات این مؤسسه نمی‌تواند به کار بپردازد. تقریباً از صدر انقلاب که این مؤسسه کار خود را آغاز کرد تا این زمان که حدود یک‌صد و چهل فرهنگ منتشر کرده و در دست انتشار دارد پروسه‌ای رو به اعتلاء و تکامل داشته است. سرمایه‌گذاری‌های هوشمندانه، نگاه بلند مدت و همکاری با مؤلفان واقعی - نه اسمی - فرهنگ‌ها سبب شده تا در چهار جنب متفاوت شاهد رونق باشیم:

۱- بهبود وضع فرهنگ‌نگاری و افزایش دقت در ترجمه و پژوهش در کل کشور ۲- ایجاد انگیزه و ارتقاء و تعلیم و تجربه در عرصه فعالیت‌های مؤلفان و کارکنان عرصه فرهنگ‌نگاری ۳- ایجاد فضای رقابت عمومی در میان ناشران خصوصی و دولتی برای ارتقاء کیفی و کمی فرهنگ‌ها و ۴- پی‌ریزی مؤسسه‌ای خاص برای فرهنگ‌نگاری با تجارب و سرمایه و سازماندهی و امکانات مناسب و اطلاعات ذیقیمی که مدیر و کارکنان مؤسسه فرهنگ معاصر تهیه و تدارک دیده‌اند.

با آنکه فرهنگنامه فارسی ابتدا خارج از مؤسسه مذکور آغاز به کار کرد، بیش از پانزده سال همکاری و سرمایه‌گذاری و پشتیبانی این نهاد خصوصی سبب شد تا در مرحله کنونی چنین کیفیت چشمگیر و جلوه ظاهری - فیزیکی - مطلوبی داشته و «مقبول طبع مردم صاحب‌نظر شود».

#### ۶- انتشار مناسب و فرم مطلوب

هنگامی که بحث از کیفیت در عرصه کتاب و نشر به میان می‌آید دو وجه متمایز به ذهن خطور می‌کند. نخست محتوا و مضمون و اصالت معنوی یک اثر و دوم شکل ظاهری و استحکام و انسجام فیزیکی کتاب به مثابه کالایی ذیقیمت‌و ماندارگار که می‌باید از

حداکثر جلوه‌های بصری و زیبایی‌های هنری نیز بهره داشته باشد. مسئلهٔ اخیر هنوز برای بسیاری از ناشران دولتی و خصوصی به مثابه امری مهم و اساسی پذیرفته نشده است. گاه شاهد حرام کردن کالای ذیقیمتی همچون کاغذ و از میان بردن حاصل کار فشرده‌ای هستیم که از مؤلف آغاز و تا صحافی و توزیع و فروش ادامه می‌یابد.

چنین کاری در مورد فرهنگنامه‌های مفصل که نیازمند حداکثر هارمونی در شکل و انسجام محتوای دقتی مضاعف و تجربه‌ای گسترده را می‌طلبد، به لحاظ حجم، کیفیت صفحه‌آرایی، نوع کاغذ، صحافی بسیار محکم و گرافیک جلد و سایر مسائل مرتبط با فرهنگنامه فارسی خاصه طبع سه جلدی همراه با جعبهٔ مخصوص و انحصاری این کتاب و نیز ملاحظهٔ قیمت نهایی، همچنین سایر قطع‌ها و شکل‌های آن کاری باکیفیت و کالایی ارزشمند تولید شده است. این تجربه به خودی خود استاندارد فرهنگ‌نگاری - و به‌طور کلی کتاب - را در کشور ما بالا برده است.

#### ۷- تداوم کار و فرآیند آزمون و خطا

برای انجام کارهای جدی، باکیفیت، بزرگ و ماندگار زمان مسئلهٔ مهمی است. در حقیقت طراحی یک ایده نیازمند نوع اندکی است، اما تحقق یک ایده نیاز به عوامل متعددی دارد که ما بخش مهمی از آن را گفتیم. یک عامل کار فشرده و پیگیر است که سرانجام به عنوان نشانه‌ای انسانی در اثر و حاصل کار متراکم و هویدا می‌شود. یک عامل دیگر زمان است و فرصت مناسب برای پالودن و پختن یک ایده و یک کار اولیه که باید در پرتو تجارب سابق و جاری ارتقاء یابد. چنین زمانی را نیز باید محاسبه کرد و بخشی از سرمایهٔ متراکم و نهفته در کالا به حساب آورد و چون کار کتاب بدو امری کیفی است و بعداً به پدیده‌ای کمی بدل می‌شود این سرمایهٔ متراکم اهمیت بیشتری می‌یابد.

فرهنگنامه‌ها و دوائرالمعارف‌ها در پروسه زمانی‌ای فراتر از سایر آثار شکل می‌بندند و فرآیند تجارب و الگوهای نهایی در آن نیازمند طی طریقی فشرده از آزمون و خطاهاست. ما امروزه می‌توانیم حتی در شکل حروف‌نگاری فرهنگنامه‌های معاصر، از عصر مشروطه که لغت‌نامه‌های مدرسه‌ای با خط نستعلیق و برخی گراورهای تصویری چاپ می‌شد تا فرهنگ‌های یک و دوزبانه به سبک اروپائیان - که به دیکسیونر مشهور بود - تا ظهور جزوه‌های لغت‌نامه دهخدا و پس از آن تا امروز که انواع تخصصی و عمومی بسیاری از فرهنگ‌ها را در دست داریم تاریخچه‌ای تدوین کنیم. تجارب و خطاهای فراوان و گسترش بازار در این زمینه خود به تنهایی داستانی دلکش است که جزئی از فرهنگ این مرز و بوم بوده و حاصل عمر فرزندان بسیاری در ضمن آن باز خوانی می‌شود.

مؤلفان فرهنگنامه فارسی هیچ‌گاه از تداوم کار و کاهش خطاها در هر نوبت چاپ و افزایش تجارب و داده‌های جدید به اثر خود غفلت نکرده‌اند و این یک مزیت بزرگ برای آنهاست. ناشر نیز فرصت زمانی را در کنار سرمایه زمانی به بخشی از فرآیند کیفیت‌بخشی

کالای نهایی بدل کرده و در نهایت اثری با استانداردهای جهانی خلق و تولید کرده است.

#### ۸- نگاه عمومی به فرهنگ عمومی

فرهنگنامه فارسی اثری برای همهٔ فارسی‌زبانان در هر مرتبه و جایگاهی است. اثری عمومی است که از عامه تا متخصصان می‌توانند از آن بهره‌گیرند و از این جهت با نمونه‌های تخصصی تفاوت بسیار دارد. فرهنگ‌نگار چنین فرهنگی نمی‌تواند با اظهار اطلاعات اضافی یا آوردن مثال‌های آرکائیک و یا حتی معاصر و روزمره بر حجم کار خود بیفزاید. اصل مهم در این کار «مختصر و مفید بودن» یا به قول طلبه‌ها «خیر الکلام قل و دل» است. این بخشی از خصوصیت عمومی کار است و در صورت عدول از آن با حجمی خارج از توان و حوصله مخاطبان روبرو خواهیم شد.

برخی منتقدان که غالباً متخصص زبان‌شناسی و ادبیات تاریخی و زبان‌های باستانی هستند به فرهنگنامه فارسی ایراد گرفته‌اند که فاقد ریشه‌شناسی لغات است. شگفت آنکه غلامحسین صدری افشار هم در جایی پذیرفته که این یک نقص در فرهنگنامهٔ اوست. اما به نظر می‌رسد که چنین کاری در نهایت مستلزم تألیف اثری متفاوت برای گروه‌های دانشجو به بالاست و در همان سطوح هم قابل استفاده است. آن پروژه را در فرم‌ها و ویرایش‌های کاملاً متفاوت با اهدافی متفاوت از این فرهنگ می‌باید انجام داد.

در حال حاضر بهترین کار صرف‌نظر کردن از ریشه‌کاوی لغات در فرهنگنامه‌های عمومی و احاله آن به فرهنگ‌های تخصصی است. بسیاری از واژه‌ها ریشه‌های شناخته و دقیقی ندارند و نیازمند کاوش‌های بیشتر هستند. در مورد ریشه‌های برخی دیگر توافق وجود ندارد و سرانجام ریشه‌های فارسی میانه و باستان، عربی، سنسکریت، عبری، مغولی، روسی و اروپایی در بسیاری از کلمات مستلزم بحث‌های ادبی و زبان‌شناختی و معنی‌شناسانه و حتی تاریخی و باستان‌شناسی است. متخصصین ورزیدهٔ زبان‌های باستانی و نیز عربی‌دانان خبره که در صرف و تأویل سیغها و علم لغت استاد باشند می‌باید در این وادی گام نهند و اینها اهمیت زایدالوصفی دارد که می‌باید در نوبتی دیگر و پروژه‌ای دیگر انجام پذیرد. هدف فرهنگنامه فارسی چیز دیگری بوده و این هدف محقق شده است. این موفقیت بهترین ستایش برای کاری است که خوب آغاز شده، هنوز ادامه دارد و هیچ‌گاه نیز پایان نخواهد یافت.

#### ۹- خاتمه

آنچه در این مکتوب گفتیم نه فقط به‌منظور تمجید و تحمید کار مؤلفان و ناشر فرهنگنامهٔ فارسی بلکه بیان بخشی از شروط و شرایط تحقق کار - به لحاظ کمی و کیفی - و لوازم و نتایج آن بود. افق بلندمدت در این نوع کارها متضمن صبر و سعهٔ صدر و سرمایه‌گذاری و مطالعه و تجربه‌اندوزی و کار فشرده است و امیدواریم با بهره‌گیری از این تجربه‌ها شاهد آفرینش آثار بیشتر و مهم‌تری در اقلیم فرهنگ ایران و زبان فارسی باشیم. والسلام.

#### برخی منتقدان که غالباً

#### متخصص زبان‌شناسی

#### و ادبیات تاریخی و

#### زبان‌های باستانی

#### هستند به فرهنگنامه

#### فارسی ایراد گرفته‌اند

#### که فاقد ریشه‌شناسی

#### لغات است